

بررسی انتساب اثر منطقی المَهْجَةُ به ابن سینا

زینب برخوردار¹

(تاریخ دریافت مقاله: 1390/12/16 - تاریخ پذیرش مقاله: 1391/3/22)

چکیده

اثر منطقی المَهْجَةُ در برخی فهرست‌نگاری‌ها از آثار منطقی، به ابن سینا نسبت داده شده است. از آن‌جا که فهم تطوّر منطق سینوی در گرو شناسایی و بررسی تمامی آثار منطقی وی است مسأله پژوهش حاضر بررسی صحت و اعتبار این انتساب است. در بررسی استناد هر اثر به مؤلفی، از روش‌های بررسی دست‌نویس‌ها و مستندات تاریخی، بررسی ساختاری، و تحلیل محتوایی می‌توان بهره جست. در مستندات تاریخی و دست‌نویس‌های المَهْجَةُ مطلب قابل‌استنادی که مؤید انتساب یا عدم انتساب اثر به ابن سینا باشد به دست نیامد. بر مبنای تحلیل ساختاری، ساختار اثر متعلق به هیچ یک از سبک‌های منطق‌نگاری نیست و حتی در سیر تحولات منطق سینوی با لحاظ این‌که شیخ‌الرئیس در منطق‌نهبخشی آثاری دارد و آغازگر منطق‌دوبخشی است، جای نمی‌گیرد. در تحلیل محتوایی علاوه بر وجود کلماتی که در سایر آثار منطقی ابن سینا به چشم نمی‌خورند و اغلاط منطقی، مواردی متفاوت با آنچه در آثاری که انتساب قطعی به ابن سینا دارند به دست آمد که فرضیه عدم انتساب رساله به شیخ‌الرئیس را تأیید می‌کند.

کلید واژه‌ها: ابن سینا، منطق، المَهْجَةُ، البَهْجَةُ.

1. درآمد

ابن سینا (973-814 ه.ق) از مؤثرترین منطق‌دانان مسلمان در تمدن اسلامی است. آنچه از آموزه‌های منطقی و فرامنطقی از سده پنجم تاکنون در تمدن اسلامی به صورت سنت حاکم درآمد است، بیشتر متأثر از آثار بوعلی است. منطق پژوهی ابن سینا از گوناگونی تحوّل و توسعه برخوردار است. وی هم آثار فراوانی آفریده است (نک: برخورداری، «نقد گزارش...») و هم در طرح مباحث منطقی در دو بعد ساختاری و محتوایی منشأ دگرگونی تدریجی بوده است (فرامرزی قراملکی، 119-192).

شناخت آثار منطقی بوعلی در فهم تطوّر تاریخی علم منطق در میان مسلمانان اهمیت دارد. در انتساب برخی آثار منطقی به وی جای تردید نیست، اما رساله‌هایی منسوب به او وجود دارند که صحت و سقم انتساب‌شان نیازمند پژوهش است. توجه به گوناگونی و تحول آثار منطقی بوعلی، اهمیت مسأله صحت و سقم انتساب رساله به وی را نشان می‌دهد.

از رساله‌های منسوب به وی، یک تک‌نگاری در منطق است که به دو نام *المهجه* و *التبهجه* خوانده شده است. قنواتی (111) و به تبع وی مهدوی (39) آن را به ابن سینا منسوب دانسته‌اند. رشر که از اهم آثار منطقی - و نه همه آثار - ابن سینا سخن می‌گوید، اشاره‌ای به رساله یادشده ندارد. کدیور در کتابشناسی جامع ابن سینا در انتساب اثر به شیخ‌الرئیس تردید کرده است.

انتساب رساله *المهجه* را به سه شیوه تاریخی، محتوایی، و ساختاری می‌توان بررسی کرد. پژوهش حاضر فرضیه بطلان انتساب این رساله به ابن سینا را به سه طریق یاد شده به آزمون می‌سپارد:

1. بررسی مستندات تاریخی از جمله روش‌هایی است که انتساب اثر را به مؤلفی روشن می‌سازد. مستندات قابل‌اعتمادی در صحت انتساب *المهجه* به ابن سینا در دست نیست. دو فهرست‌نگاری اصلی آثار شیخ‌الرئیس (قنواتی و مهدوی) از یکدیگر متأثرند. نام *المهجه* در فهرس دیگر ذکر نشده است. مجموعه داده‌های ذکرشده در انتساب یا عدم انتساب رساله به ابن سینا نمی‌تواند مورد استناد قرار گیرد.

1. تحلیل ساختاری رساله از دیگر روش‌هایی است که در تعیین انتساب اثر به مؤلفی می‌تواند راهگشا باشد و قرائن مختلفی را به دست دهد. با توجه به تطور منطق سینوی در آثار مسلم ابن سینا، مقایسه ساختار *المهجه* با سایر آثار شیخ‌الرئیس، زمان نگارش

رساله از سوی مؤلف و یا عدم انتساب آن را مشخص می‌سازد. ناهمگونی ساختار اثر با سیر تحولات منطق سینوی را می‌توان از مؤیدات عدم انتساب رساله برشمرد.

9. تحلیل محتوایی و مقایسه تعاریف، مفاهیم، و دیدگاه‌ها در اثر با سایر آثار که انتساب‌شان به ابن سینا قطعی است، روش دیگری است که در تعیین انتساب اثر به شیخ می‌توان از آن بهره جست. به عنوان مثال در هیچ یک از آثار که به طور قطع به ابن سینا انتساب دارد وی از قواعد شکل چهارم بحث نمی‌کند. وجود این قواعد در آثار که انتساب قطعی به وی ندارد، فرضیه عدم انتساب را تقویت می‌کند (نک: برخورداری، «بررسی انتساب...»). صرف کشف مواضع خلاف و وفاق، در تعیین انتساب مفید گمان است و نه قطعیت، اما تحلیل سیستمی (منظومه معرفتی) این مواضع می‌تواند یقین‌آور باشد.

2. معرفی رساله و دست‌نویس‌ها

پیش از پرداختن به مسأله پژوهش حاضر، یعنی بررسی صحت و سقم انتساب رساله *المهجة* به شیخ‌الرئیس، معرفی اجمالی رساله و دست‌نویس‌های آن لازم است.

«المهجة» در لغت به معنای خون اصلی قلب است که بدون آن حیات ممکن نیست (خلیل بن احمد، 937/9) و بهترین و خالصترین از هر چیزی است (ابن‌منظور، 973/1). این اثر با بیان رئوس ثمانیه منطق آغاز می‌شود و در خلال آن مبحث الفاظ و رئوس ثمانیه به طور مطلق، مورد بحث قرار می‌گیرد. عبارات و ترتیب یادشده، بسیار مشابه است با آنچه شارح *حکمة الاشراف* در شرح *حکمة الاشراف* در ذیل بحث رئوس ثمانیه می‌آورد (91-17).

مباحث در *المهجة* تا مبحث قیاس با عناوین یونانی نامگذاری شده‌اند. پس از رئوس ثمانیه ایساغوجی قرار گرفته است. مبحث مقولات با عنوان *قاطیغوریاس* آورده شده که مشتمل بر سه مبحث «تناسب و تباین اسماء»، «مقولات دهگانه»، و «تقدم، تأخر، و تقابل» است. بحث فلسفی عروض وجود بر ماهیت نیز در همین بخش دیده می‌شود که ابن سینا نیز در *اشارات* (131) چنین بحثی را به همین نحو مطرح می‌کند.

در کتاب *باریرمیناس* به ترتیب مباحث قضیه حملیه، تلازم و تعاند وجهات، تقابل در قضایا، عکس، و قضیه شرطیه آمده است. پس از این، نام مباحث به یونانی ذکر نشده است. در کتاب قیاس، قیاس حملی بسیط، اشکال قیاس، قیاس خلف، انتاج بالذات و

بالعرض، قیاس حملی مرکب و قیاس شرطی ذکر می‌شود. استقراء، قیاس ضمیر، تمثیل، قیاس فراسی و ضروب منتج در ادامه ذکر شده‌اند.

در قسمت بعدی با عنوان «کتاب یشتمل علی الکتب الباقیة من البرهان و الجدل و الخطابة و السفسطة و الشعر»، مباحثی دربارهٔ برهان، مبرهن، مبرهن علیه، مبرهن فیه، مبرهن منه و سایر صناعات پنج‌گانه آمده است. پایان بخش رساله *المهجة* با عنوان فصلی در حدود دربارهٔ فضائل و رذائل نفسانی است.

از رساله *المهجة* دو دست‌نویس شناسایی شده است.¹ نخست دست‌نویسی که به سال 1331 هجری قمری به دست عبدالرشید نگارش یافته است.² رساله *المهجة* در این دست‌نویس در 18 صفحه 13 سطری و به طور مورب با خطی زیبا، متأخر و ریز نگارش یافته است. از آن‌جا که این رساله در بین مجموعهٔ رسائل ابن‌سینا جای دارد، در حاشیهٔ آن عبارت «رسالة یسمى المهجة ایضاً له» آمده است و نام دیگر رساله (*البهجة* فی المنطق) که برخی فهارس به آن اشاره کرده‌اند به چشم نمی‌خورد.

دست‌نویس دیگر بنابر آن‌چه در انتهای آن ذکر شده، به سال 1913 هجری قمری نگارش یافته است و نام کاتب آن مشخص نیست.³ عبارت «رسالة المهجة ایضاً له» در کنار متن و به خط کاتب رساله دیده می‌شود، تنها در حاشیهٔ این دست‌نویس و به خط معاصر (با خودکار) نام «البهجة فی المنطق» به عنوان ششمین اثر مجموعه به چشم می‌خورد. اثر منطقی *المهجة* در این رساله در 12 صفحه 17 سطری به خطی خوانا و متأخر جای گرفته است.

3. تحلیل ساختاری

رساله *المهجة* مباحث مختلفی در منطق را شامل می‌شود که از نظر ساختار نگارش به سبک نه‌بخشی تعلق دارد. در *المهجة* برآمدن تصور از تصور و تصدیق از تصدیق به مبنای تقسیم منطق به دو بخش تصور و تصدیق افزوده شده و به دوگانگی در فکر می‌رسد. فکری که موصل تصور است، مانند حد و امثال حد (رسم)، و فکری که موصل تصدیق است، و آن قیاس است و آنچه مانند قیاس است (استقراء). نامی از تمثیل و

1. مشخصات کامل مجموعه‌هایی که برای یافتن دست‌نویس‌ها مورد بررسی قرار گرفت در منابع آمده است.
1. عکس دست‌نویس نسخه خطی کتابخانه دانشگاه تهران به شماره 1881/3.
9. کتابخانه ملی به شماره 1111/2.

اشاره‌ای به تقسیم آن به بدیهی و نظری (شاید به جهت اختصار) نیامده است. طرح مدون چنین بحثی در آثار فارابی به چشم می‌خورد (*المنطقیات*، 133/1؛ *الفارابی فی حدوده و رسومه*، 131 و 131).

سپس نتیجه می‌گیرد که منطق قوانین حد و قوانین قیاس را به دست می‌دهد و این صریح‌ترین سخن در دو بخشی بودن منطق است که متأخران آن را با مفهوم عامتر و به صورت معرف و حجت بیان کرده‌اند و آن دو را موضوع علم منطق دانسته‌اند. با وجود این شاهد، ساختار المَهْجَة نه‌بخشی است و مقولات ذکر می‌شود.

بحث حد در تطور منطق سینوی از نه‌بخشی به دوبخشی نقش مهمی را ایفا می‌کند و جایگاه آن در مباحث رسائل منطقی از نشانگرهای سبک منطق‌نگاری است. ابن‌سینا در مدخل *شفا* به تحلیل مفهومی «مقول در جواب ماهو» و اصناف سه‌گانه آن (جنس، نوع و حد) می‌پردازد (87، 97، 91، 11) و در برهان و جدل همانند ارسطو تحلیل حد و رسم و مواضع آن را می‌آورد. نخستین فرق آثار منطقی ابن‌سینا با میراث یونانی تحلیل «مقول در جواب ماهو» (در دو مقام مفهوم و مصداق) در *ایساغوجی/مدخل* است. در *عیون الحکمه* بحثی از حد و رسم وجود ندارد. در *نجاه* بحث از «مقول در جواب ماهو» و «مقول در جواب آی شی هو» در ابتدای مدخل می‌آید و در کتاب برهان چند فصل به بحث از حد و روش‌شناسی آن اختصاص می‌یابد.

ابن‌سینا در رساله‌های قصیده مزدوجه، *المنطق الموجز و مختصر الاوسط* بحث از حد را به نحو مستقل اما در پایان رساله می‌آورد. استقلال بخشی به بحث حد دومین تفاوت آثار بوعلی با پیشینیان (یعنی *ارگانون* ارسطو و آثار منطقی قابل دسترس مانند آثار فارابی است) و نخستین تحول ساختاری در آثار منطقی بوعلی است. در *منطق المشرقیین* بحث از حد، اصناف تعریف، بررسی شرح الاسم و حد در میان مباحث کلیات پنج‌گانه طرح می‌شود. تقدیم مباحث حد بر قضیه و قیاس تحول دیگری در نظام منطق‌نگاری ابن‌سینا محسوب می‌شود. پیش انداختن بحث از حد و رسم در *هدایه*، *دانشنامه علایی*، *مفاتیح الخزائن*، و *اشارات* با استقلال و یکپارچگی مباحث همراه است و این مبحث به منزله بابتی در منطق و پس از کلیات و قبل از قضایا جایگاه می‌یابد. در این جایگاه ابن‌سینا علاوه بر تعریف حد و رسم، بیان شرایط و احکام آن دو، به بررسی نسبتاً مفصل از مواضع خطاپذیری تعریف نیز می‌پردازد.

در المَهْجَة مبحث حد استقلال نیافته است. اگرچه ابتدا اشاره‌ای به چیستی حد و

رسم می‌شود، اما این بحث در واقع ذیل انواع تعلیمی و رئوس ثمانیه جای گرفته است. چنین سبکی در بیان حد به هیچ یک از آثار شیخ شبیه نیست. در انتهای اثر «فصل فی الحدود» دیده می‌شود که به تعریف مفاهیمی درباره فضایل اختصاص دارد. با وجود این که در آغاز رساله صناعات خمس مستقل تلقی شده‌اند اما، پنج بخش مربوط به آنها در یک گفتار گنجانده شده است. آوردن صناعات خمس در کتابی مستقل در قرن هفتم رواج یافته است.¹

در غالب آثار منطقی بوعلی، که به مقولات پرداخته‌اند، این مبحث پس از مبحث الفاظ و پیش از قضایا قرار گرفته است (شفا، عیون الحکمه، قصیده مزدوجه، المنطق الموجز). در المَهْجَةُ ابتدا بحث الفاظ و سپس رئوس ثمانیه و بعد از آن مقولات ذکر شده است. اما مقولات در سه فصل الفاظ، مقولات دهگانه، و تقدم، تأخر، تقابل، ساماندهی شده است. در هیچ یک از آثار شیخ رئیس الفاظ ذیل بحث مقولات نیامده است و تنها در شفا بعد از مبحث مقولات به ترتیب تقابل، تضاد و تقدم و تأخر دیده می‌شود. از لحاظ ساختاری چنین مباحث اثر به شیوه رایج در آثار ابن‌سینا و حتی ارسطو نیست و به علت این غربت در سیر تطور ساختاری منطق سینوی جای نمی‌گیرد.

4. تحلیل محتوایی

چنان که گذشت، انتساب رساله المَهْجَةُ به شیخ‌الرئیس قطعی نیست. در تحلیل متن اثر و مقایسه تطبیقی آن با سایر آثار مسلم‌الانتساب شیخ‌الرئیس² شواهدی مؤید این تردید به دست آمد. موارد یاد شده را در سه بخش می‌توان طبقه‌بندی نمود:

4.1. تعاریف، مفاهیم، یا مباحث متفاوت

الف. در آثار بوعلی در مواردی که علم منطق با نحو و عروض مقایسه شده است، شرط استغنا از یادگیری منطق تأیید الهی و ارتباطات غیبی ذکر شده است (شفا، مقدمه، 33، مدخل، 13؛ نجاه، 3) مطلبی که در المَهْجَةُ به آن اشاره‌ای نمی‌شود و از استثنائات قرار نمی‌گیرد. این مطلب صرفاً جهت بیان هر گونه اختلاف مورد توجه است.

1. مانند رساله شمسیه.

1. مشخصات کامل آثاری از ابن‌سینا که مورد مقایسه قرار گرفت در منابع آمده است.

ب. حس به ظاهری و باطنی تقسیم شده و در حواس ظاهر پنج حس قرار گرفته است. در حواس باطنی به ترتیب قوه مشترکه، متخیله، متفکره، و حافظه و ذاکره را می‌آورد. در آثار دیگر ابن‌سینا که چنین مبحثی بیان شده قوه وهمیه بعد از متخیله و قبل از حافظه و ذاکره قرار می‌گیرد (نجاه، 913؛ رساله احوال النفس، 29؛ اشارات، 48 و 43).

ج. تعریف این رساله از مقدمات یقینی تا حد زیادی با سایر آثار شیخ‌الرئیس متفاوت است. اولی به آن چه مبدئش عقل نظری است تعریف شده است. «در حکم اولی» آن است که مبدأش عقل عملی است (بدیهی عقل عملی) و مبدأ حسی حس (اعم از ظاهری و باطنی) است. وهم نیز تابع حس است و ملحق به آن دانسته شده، در حالی که حکم آن در امور عقلی مقبول نیست. شیخ‌الرئیس در *نجاه* به این مطلب اشاره می‌کند که اولیات به سبب قوای عقلی در انسان پدید می‌آیند و ذات‌شان موجب تصدیق‌شان است (111) ولی در همین اثر بین ادراک حسی و وهمی تفاوت قائل می‌شود (988).

4. 2. مباحث بی‌سابقه

الف. در اثر منطقی المهجة، مرتبه علم منطق پس از تهذیب اخلاق و تقویم فکر با علوم ریاضی آمده است. مطلب یادشده در آثار شیخ‌الرئیس نیست اما پس از وی ذکر شده است (شیرازی، قطب‌الدین، 91؛ یزدی، 111)

ب. تقسیم جنس به اجناس مرتب و غیر مرتب در آثار دیگر شیخ‌الرئیس به چشم نمی‌خورد. در تعریف عرض عام «اعم کلیین عرضیین مقولین فی جواب ماهو» و در تعریف خاصه «اخص کلیین عرضیین مقولین فی جواب ماهو» آمده است. بوعلی در تعریف نوع «اخص کلیین مقولین فی جواب ماهو» را می‌آورد (عیون الحکمه، 1؛ شفا، مدخل، 29) همچنین فارابی «اعم کلیین یلیق ان یجاب بهما فی جواب ماهو» را در تعریف جنس ذکر می‌کند (فارابی، 93/1؛ 83/9) اما برای عرض عام و خاصه چنین تعریفی سابقه ندارد.

ج. در انتهای مبحث کلیات خمس، تقسیم‌بندی دیگری از کلیات خمس ارائه شده که آن نیز بی‌سابقه است: تقسیم کلیات خمس از لحاظ جوهری یا عرضی بودن. تبیین مطلب چنین است که هر کلی از نظر عموم و خصوص یا جوهری است و یا عرضی. اگر جوهری باشد یا بسیط است و یا مرکب. مرکب همان نوع است که از جنس و فصل به‌دست می‌آید؛ و بسیط یا در جواب «ما هو؟» است که جنس است و یا در جواب

«ای شیء هو» که همان فصل است. عرضی یا خاص است که همان خاصه شیء است و یا عام که همان عرض عام خواهد شد. وجه تقسیم کلیات خمس در این جا حاضر نیست. اصطلاح جوهری به معنای ذاتی است و ممکن است موجب اشتباه با جوهر شود، چنان که اصطلاح عرضی ممکن است با عرض در برابر جوهر اشتباه شود. شیخ رئیس در شفا نیز جوهری را به معنای ذاتی به کار می برد (مقولات، 33/1) عدد بودن برای چهار جوهری است، اما چهار و عدد هر دو عرض اند و نه جوهر. بنابراین جوهری در این جا باید به معنای «ذاتی» لحاظ شود.

از سوی دیگر عبارت «من حیث العموم و الخصوص» وجه مناسبی برای تقسیم کلی به جوهری و عرضی نیست. حاضر نبودن تقسیم بندی از دیگر اشکال های وارد بر تقسیم است، که مفاهیم غیرمحصل (مانند «لا انسان») را در بر نمی گیرد.

1. برهان را به مبرهن، مبرهن علیه، مبرهن فیه، مبرهن منه و مبرهن له تقسیم می کند. این اصطلاحات در هیچ یک از آثار منطقی این سینا دیده نمی شوند. در این قالب از مسائل مبادی، ارتباط علوم و سایر مسائل برهان بحث می کند.

1. یکی از تعاریف ارائه شده از برهان این گونه است: «و اما البرهان فهو طریق موثوق به یوصل الی الوقوف علی الحق و العمل بحسب ذلک.» تعریف یاد شده در ذیل رئوس ثمانیه آمده با هیچ یک از آثار ابن سینا همخوانی ندارد. چنین تعریفی در برخی آثار پس از وی به چشم می خورد (شیرازی، قطب الدین، 99؛ شیرازی، صدرالدین، 11)

9. در تعریف عکس قضیه به جابه جایی موضوع و محمول بسنده شده است و فاقد الفاظی دال بر بقا یا عدم بقای صدق و کذب می باشد. تعریف ارائه شده در این مقام با تمامی آثار ابن سینا متفاوت است (نک: انواری).

8. در آثار شیخ رئیس استقرا به حکم به کلی به خاطر وجودش در جزئیات تعریف شده است (عیون الحکمه، 13؛ المباحثات، 121؛ شفا، مقدمه، 13؛ القصیده المزدوجه، 11؛ النجاه، 132؛ الإشارات، 93) در المهجه این تعریف به شمارش تمامی انواع و انتقال حکم کلی آن ها به جنس تغییر یافته است. تعریف ارائه شده در این مقام ناظر بر استقرای تام است، گرچه در عبارت بعد مقسم استقرای تام و ناقص قرار گرفته است.

3. تعریف جدل به «تردد الکلام بین اثنین تقصد کل واحد منهما بصحیح قوله» علاوه بر بی نظیر بودن، مانع اغیار هم نیست!

2. تعریف ارائه شده از قیاس ضمیر دربرگیرنده قیاس مضمیر نیز هست: «الضمیر هو

الذی یضمّر فیہ احدی المقدمتین».

7. عدمیه مترادف با معدوله به کار رفته است.

5. نتیجه

بر طبق بررسی ساختاری، رساله منطقی *المهجه* در هیچ یک از سبک‌های منطق‌نگاری سینوی جای نمی‌گیرد. قسمت‌هایی از این رساله در ساختار دویخی و بیشتر آن به ساختار نه بخشی نگارش یافته است. اما در همین ساختار نیز از شیوه رایج آثار منطقی شیخ تبعیت نمی‌کند.

در تحلیل محتوایی مطالب بی‌سابقه و مغایر با آنچه در آثار شیخ است به چشم می‌خورد. الفاظ غریب و مباحثی که از لحاظ منطقی صحیح نیستند از دیگر مواردی است که انتساب اثر به ابن سینا را مخدوش می‌سازد. با توجه به این دو بررسی به نظر می‌رسد که *المهجه* از ابن سینا نباشد و پس از وی توسط فردی آشنا به منطق نگارش یافته باشد. متأخر بودن سبک کتابت رساله‌ها، عدم وجود بیش از دو نسخه از آن‌ها و تردیدی که در برخی فهرس نسبت به انتساب شده مؤید عدم انتساب است.

فهرست منابع

1. ابن سینا، *الاشارات و التنبیهاات*، به کوشش محمود شهابی، انتشارات دانشگاه تهران، 1993 ش.
1. —، *دانشنامه علائی*، دانشگاه بو علی سینا، با مقدمه و حواشی و تصحیح از دکتر محمد معین و سید محمد مشکوه، همدان، 1949 ش.
9. —، *رسائل ابن سینا*، انتشارات بیدار، قم، 1833 ق.
8. —، *رساله احوال النفس*، مقدمه و تحقیق فؤاد الاهوانی، دار بیبلیون، پاریس، 1337 م.
5. —، *الشفاء المنطق*، به کوشش ابراهیم مدکور، قاهره، دارالکتب العربی لالطباعه و النشر، بی‌تا.
2. —، *الشفاء (المنطق)*، به تحقیق سعید زاید، مکتبه آیه الله المرعشی، قم، 1838 ق.
7. —، *الشفاء (الهیات)*، به تحقیق سعید زاید، مکتبه آیه الله المرعشی، قم، 1838 ق.
4. —، *عیون الحکمه*، تصحیح عبد الرحمن بدوی، انتشارات بیدار، قم، 1833 ق.
3. —، *القصیده المزوجه فی المنطق*، مکتبه آیه الله المرعشی، قم، 1833 ق.
13. —، *المباحثات*، انتشارات بیدار، قم، 1971 ش.
11. —، *مختصر الاوسط*، کتابخانه ایاصوفیه استانبول، شماره دست نویس 8413.

11. ____ ، مفاتیح الخزان، تهران، کتابخانه ملک 8289/1.
19. ____ ، منطق المشرقیین، مکتبه آیه الله المرعشی: قم: 1833 ق.
18. ____ ، المنطق الموجز، تهران، کتابخانه دانشگاه تهران، 7 و 1128/3 میکروفیلم (استانبول، ایاصوفیه، 9284/7).
13. ____ ، الموجزة فی اصول المنطق، کتابخانه دانشگاه استانبول، دست نویس شماره 8733/9.
12. ____ ، النجاة من الغرق فی بحر الضلالات، مقدمه و تصحیح محمدتقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، 1973 ش.
17. ____ ، الهدایة، الدكتور محمد عبده، کلیة دارالعلوم، جامعة القاهرة، مکتبه القاهرة الحديثة، 1378 م.
14. ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، دارالمعارف، بیروت، بی تا.
13. ارسطو، منطق ارسطو (ارگانون)، ترجمه فارسی دکتر میرشمس الدین ادیب سلطانی، تهران، انتشارات نگاه، 1974 ش.
20. انواری، سعید، عالمی، روح الله، «تعریف عکس مستوی از دیدگاه ابن سینا»، دو فصلنامه تخصصی حکمت سینوی (مشکوٰة النور)، سال 11، پائیز و زمستان 1947، شماره 83.
11. انتشارات کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، مشهد، 1921 ش.
11. برخورداری، زینب، «نقد گزارش رش از آثار منطقی ابن سینا»، کتاب ماه فلسفه، سال سوم، شماره 12، آبان 1944 ش.
19. برخورداری، زینب، و احد فرامرز قراملکی، «بررسی انتساب مفاتیح الخزان به ابن سینا»، حکمت سینوی، شماره 83، بهار و تابستان 33.
18. جعفر آل یاسین، الفارابی فی حدوده و رسومه، فرهنگ نامه فلسفی، عالم الکتب، بیروت، 1833 ق.
13. حائری، عبدالحسین، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، چاپخانه مجلس، تهران، 1933 ش.
12. حسینی اشکوری، سیدجعفر، حسینی اشکوری، سیدصادق، فهرست نسخه های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی، انتشارات مرکز احیاء میراث اسلامی، قم، 1977 ش.
17. خلیل ابن احمد، کتاب العین، مطبعة العانی، بغداد، 1327 م.
14. دانش پژوه، محمدتقی، فهرست میکروفیلم های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، انتشارات دانشگاه تهران، 1984 ش.
13. ____ ، فهرست نسخ خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، انتشارات دانشگاه تهران، 1937 ش.
93. دانش پژوه، محمدتقی، و ایرج افشار، فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک، با

- همکاری محمدباقر حجتی و احمد منزوی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، 1391 ش.
91. _____، فهرست‌واره کتابخانه مینوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، 1979 ش.
91. رشر، نیکلاس، *تطور المنطق العربي*، ترجمه محمد مهران، قاهره، دارالمعارف، 1343 م.
99. شیرازی، قطب‌الدین، شرح حکمة‌الاشراق، به کوشش عبدالله نورانی و مهدی محقق، تهران، موسسه مطالعات اسلامی، 1943 ش.
98. صدرالدین شیرازی، محمد، *الحاشیه علی الهیات شفا*، انتشارات بیدار، قم، بی تا.
93. الفارابی، ابونصر، *المنطقیات للفارابی*، تحقیق و مقدمه از محمدتقی دانش پژوه، مکتبه آیه الله المرعشی، قم، 1834 ق.
92. فرامرزق‌راملکی، احد، *جستار در میراث منطقدانان مسلمان*، پژوهشگاه علوم انسانی، تهران، 1933 ش.
97. قنواتی، الاب جورج شحاته، *مؤلفات ابن سینا*، مقدمه للدكتور ابراهیم بک مدکور، دارالمعارف، قاهره، 1333 م.
94. کاتبی قزوینی، نجم‌الدین، *الرساله الشمسیه*، انتشارات بیدار، قم، 1948 ش.
93. کدیور، محسن، *کتابشناسی جامع ابن سینا*، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران، زیرچاپ.
83. مهدوی، یحیی، *فهرست نسخه‌های مصنفات ابن سینا*، انتشارات دانشگاه تهران، 1999 ش.
81. یزدی، مولی عبدالله بن شهاب‌الدین الحسین، *الحاشیه علی تهذیب المنطق*، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1811 ق.
42. Rescher, Nicholas, *The development of Arabic logic*, Pittsburg, university of Pittsburg, press 1964.